

## بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر پرخاش‌گری و وندالیسم شهری نوجوانان و جوانان استان لرستان

محمد رضا حسینی\*

مهرداد نوابخش\*\*، زهرا رحیمی\*\*\*

### چکیده

پدیده وندالیسم یکی از عوامل نوظهور تأثیرگذار بر رشد مسائل اجتماعی و آسیب‌های شهری است که به مفهوم داشتن نوعی روحیه بیمارگونه به‌کار رفته و مبین تمایل به تخریب آگاهانه اموال و متعلقات عمومی است. در این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی، رابطه سبک زندگی با پرخاش‌گری و وندالیسم مطالعه شده که به‌روش پیمایشی و با پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام شده است. جامعه آماری مطالعه شده زنان و مردان ۱۵-۲۹ ساله شهرهای خرم‌آباد، بروجرد، و ازنا است که از این میان ۷۱۴ نفر به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون هم‌بستگی پیرسون، رگرسیون، و تحلیل واریانس یک‌طرفه تحلیل شدند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن بود که بین مؤلفه‌های سبک زندگی با پرخاش‌گری و وندالیسم رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. براساس نتایج تحلیل رگرسیون، مهم‌ترین عامل در بروز رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیسم قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار است که بیش‌ترین میزان بتا ۰/۲۸ را داشته است و سپس به‌ترتیب مصرف فرهنگی ۰/۲۶، سبک زندگی ۰/۲۱، و مدیریت بدن ۰/۱۸ بیش‌ترین تأثیر را بر پرخاش‌گری و وندالیسم

---

\* استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (نویسنده مسئول)، mrho\_59@yahoo.com  
\*\* استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، mehrdad\_navabakhsh@yahoo.com  
\*\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، rahimizahra1384@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

داشته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که ۲۶٪ رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی را می‌توان با مجموع متغیرهای مستقل تبیین کرد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک زندگی، پرخاش‌گری، وندالیسم.

## ۱. مقدمه

امروزه با رشد و گسترش روزافزون شهرها و توسعه زندگی شهری و به‌علت مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی-اجتماعی، شکاف طبقاتی، و تضعیف قیدوبندهای اجتماعی دامنه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را به‌لحاظ کمی و کیفی افزایش داده است. از این‌رو، زمینه مناسبی برای بروز رفتارهای انحرافی و بزه‌کارانه را، به‌ویژه برای قشر جوان، فراهم ساخته است. تحولات جهانی از یک سو جوامع در حال‌گذار را با تغییرات و تضادهای گوناگونی روبه‌رو کرده است و از سوی دیگر، عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع مشکلات عدیده‌ای را در ساختار اجتماعی به‌وجود آورده است. از این حیث، مسائل اجتماعی متأثر از فرایندهایی چون تأخر فرهنگی (cultural lag)، بی‌هنجاری (anomie)، تضاد اجتماعی (social conflict)، و از خودبیگانگی (alienation) به بروز بی‌آمدها و آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. از جنبه دیگر و در سطحی وسیع‌تر نیز توسعه جوامع دچار بی‌سازمانی و از هم‌گسیختگی اجتماعی می‌شوند. این بی‌نظمی‌ها به برهم‌خوردن تعادل اجتماعی و افزایش آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر می‌شود. ایران نیز به‌عنوان کشوری در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنی نیست و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای اصلی خود، به‌ویژه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی با این تغییرات مواجه است (فاضل و دیگری ۱۳۸۷: ۷-۸).

پدیده وندالیسم یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد مسائل اجتماعی و آسیب‌های شهری است و به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، به‌خصوص در جوامع مدرن ظهور و بروز گسترده‌ای یافته است. در جوامعی که نظام ثبت اطلاعات دقیق و منظمی دارند، یافته‌ها حاکی از آن است که سالانه بخش‌های مختلف جامعه متحمل خسارت گسترده‌ای از این اقدامات می‌شوند و هر ساله میلیون‌ها دلار صرف تعمیر و جای‌گزینی اشیائی می‌شود که وندال‌ها به آن‌ها آسیب وارد کرده‌اند. برای نمونه، مسئولان مترو پاریس فقط در سال

۱۹۸۹ برای تعمیر و بازسازی صندلی‌هایی که مسافران مترو پاره کرده بودند، ۱۸ میلیون فرانک هزینه کرده‌اند. شرکت اتوبوس‌رانی پاریس نیز شکایت دارد که هر سال خراب‌کاران دست‌کم ۵۰۰۰ شیشه‌ اتوبوس را در ایستگاه‌ها با تفنگ و سنگ و ... می‌شکنند (محسنی تبریزی ۱۳۸۳: ۳۹). آمار و ارقام مربوط به تخریب اتوبوس‌ها در ناوگان حمل‌ونقل شهر تهران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۶ حدود ۳۰۰ میلیون تومان به اتوبوس‌های شهری خسارت وارد شده است که مسئولان اتوبوس‌رانی این رقم را به‌عنوان خسارت ناشی از وندالیسم ثبت کرده‌اند. همان سال در راه‌آهن نیز بیش از ۷۵۰ میلیون تومان به شیشه‌ قطارها آسیب رسیده که از رده خارج شده‌اند. یافته‌ها در دیگر حوزه‌ها نیز نشان از آن دارند که شدت و وسعت وندالیسم در ایران ابعاد جدی و درخور توجهی دارد (دغافله و دیگری ۱۳۸۹: ۸۹-۹۰).

پدیده وندالیسم از کج‌روی‌های جامعه جدید است. این پدیده از تغییرات سریع اجتماعی، رشد هرچ‌ومرج و تمایلات روزافزون انسان‌ها، ناکامی در رسیدن به این تمایلات، احساس از خود بیگانگی، اجحاف، و خشم و تنفیری ناشی می‌شود که خراب‌کاران به اجتماع و محیط اطرافشان دارند که خود بیان‌کننده ضعف و اختلال‌هنجاری در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است. وندالیسم از جمله جرایمی است که کم‌تر مجازات حقوقی و کیفری در پی داشته است. این هنجارشکنی علاوه بر تحمیل خسارت به دولت، مبین مشکلات مهم و بزرگ‌تر جامعه آتی است. با توجه به وضعیت جمعیتی ایران که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این کشور از جمله کشورهایی است که در معرض آسیب‌های اجتماعی زودرس، از جمله پدیده وندالیسم است که بیش‌تر وندال‌های آن نیز جوانان هستند (محمدی بلبان آباد ۱۳۸۴: ۳).

براساس برخی از آمارهای رسمی، تعداد دستگیرشدگان استان لرستان ناشی از رویداد وندالیسم در سال ۱۳۷۵ از ۶۶۵۵ نفر به ۱۰۷۳۹ نفر در سال ۱۳۸۰ و ۸۱۲۵ نفر در سال ۱۳۸۴ رسید که در این بازه ۳ ساله رشد ۲۲ درصدی را نشان می‌دهد و رقم درخور توجهی است. بنابراین، پرداختن به موضوعاتی در قالب تبیین رفتارهای انحرافی به‌منظور پیش‌گیری و کاهش نرخ بروز چنین رفتارهایی خود دارای اهمیت وافری است. از طرفی، برای حرکت به‌سوی جامعه سالم و ایمن، بررسی این رفتارها، که امروزه دامن‌گیر بسیاری از نوجوانان و جوانان شده است، بُعد دیگر اهمیت این پژوهش است؛ زیرا نوجوانی و جوانی برهه‌ای از زندگی کنش‌گران است که بسیاری از عادت‌ها و رفتارهای به‌هنجار و نابه‌هنجار در آن شکل می‌گیرد و به ادوار بعدی زندگی

آن‌ها نیز تسری می‌یابد. بنابراین، شناخت آنچه افراد به‌عنوان سبک زندگی می‌شناسند و کشف دیدگاه‌ها و گرایش‌های آن‌ها که در رفتارشان دخیل است و تجلی می‌یابد، به غنا و استحکام نظری، و ارائه راه‌کارهای کاربردی و تدوین استراتژی‌ها و رهیافت‌های تازه‌ای در پیش‌گیری و اصلاح سبک زندگی افراد کمک می‌کند. بر این اساس، سؤال اساسی در این پژوهش این است: سبک زندگی چگونه بر رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان تأثیر می‌گذارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

صمیمی و همکاران (۱۳۸۵) مطالعه‌ای را با عنوان «ارتباط سبک زندگی با سلامت عمومی دانشجویان» انجام دادند. جامعه آماری در این مطالعه را همه دانشجویان پذیرفته‌شده پیش از سال ۱۳۸۴ تشکیل می‌دادند که در دانشگاه علوم پزشکی ایران در یکی از مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری مشغول به تحصیل بودند و پیش از پذیرش در دانشگاه اختلال روانی، بیماری مزمن و معلولیت نداشتند. نتایج پژوهش نشان داد که سلامت عمومی با ورزش، تغذیه، سیگارکشیدن، رعایت اصول ایمنی، و کنترل استرس بنابر جنس دانشجویان ارتباط معنی‌دار داشت و با سن، دانشکده محل تحصیل، و وضعیت سکونت ارتباط معنی‌دار نداشت. بنابر این پژوهش، سلامت عمومی با ابعاد سبک زندگی رابطه معکوس و معنی‌دار نشان داد.

نیک اختر (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر خراب‌کاری به‌عنوان نوعی رفتار بزه‌کارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز»، به مطالعه وندالیسم پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد جوانانی که با دوستان بزه‌کار معاشرت داشته‌اند میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های خراب‌کارانه افزایش زیادی داشته است. دیگر نتایج نشان می‌دهد که متغیر نحوه گذراندن اوقات فراغت ارتباط قوی با رفتار خراب‌کارانه جوانان دارد. هم‌چنین پسران بیش‌تر از دختران در فعالیت‌های خراب‌کارانه مشارکت می‌کنند.

کریمی و فرهمند (۱۳۹۵) در پژوهشی با نام «وندالیسم و جوانان» عوامل اجتماعی مؤثر بر وندالیسم در میان جوانان شهر لردگان را بررسی کردند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که متغیرهای سن، وسایل ارتباط جمعی، رابطه با افراد بزه‌کار، از خودبیگانگی، و پیوند اجتماعی رابطه معناداری با وندالیسم دارند.

مقصودی و بنی فاطمه (۱۳۸۵) در پژوهشی با نام «تحلیل محتوای دیوارنویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان» به این نتیجه رسیدند که وندالیسم به صورت گروهی و با همراهی و مشارکت اعضای باند خراب‌کار انجام می‌پذیرد و با بروز خشم علیه یک مرجع قدرت گره خورده است و به هر میزان که دانشجویان مشارکت بیشتری در فعالیت‌های فرهنگی، علمی، تفریحی، ورزشی، و هنری داشته باشند، احتمال ارتکاب اعمال تخریب‌گرانه آنان کاهش خواهد یافت.

جان‌حسینی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای تخریب‌گرایانه در استان مازندران» را به روش پیمایش بین ۵۰۰ نفر از نوجوانان و جوانان ۱۰-۲۵ ساله انجام داده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که عواملی چون نحوه گذران اوقات فراغت، تحصیلات والدین، نوع شغل و تدین، ارتباط با گروه هم‌سالان، درآمد خانواده، نوع سکونت، محل سکونت، و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در این رفتار مؤثر است و در نهایت آزمون آماری رگرسیون چندمتغیره نشان داد که نحوه گذران اوقات فراغت ۰/۲۷، ارتباط با گروه هم‌سالان ۰/۲۳، پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۰/۱۷ و محل سکونت ۰/۱۱ درصد از واریانس بر بروز رفتارهای وندالیستی را تبیین می‌کند.

فینکلهر و آسدیجیان (Finkelhor and Asdigian 1996) نیز در تحقیقی با عنوان «مؤلفه‌های مخاطره‌آمیز برای قربانی شدن جوانان: ورای سبک زندگی / رویکرد نظریه فعالیت‌های عادی» سعی بر آن داشته‌اند که با مفاهیمی از سبک زندگی و فعالیت عادی، خطرهایی را پیش‌بینی کنند که به قربانی شدن جوانان منجر می‌شود. پس به بررسی ویژگی‌های شخصیتی پرداختند که جوانان را در موقعیت خطر قرار می‌دهد؛ البته نه تنها با استفاده از سازوکارهای سبک زندگی یا فعالیت‌های عادی، بلکه با سازگاری بیش‌تر با نیازها و انگیزه‌های جوانان و واکنش‌های مجرمان بالقوه. سه گونه از ویژگی‌های قربانیان بالقوه عبارت‌اند از: آسیب‌پذیری (از قبیل: ضعف فیزیکی یا نومی‌های روان‌شناختی)؛ لذت‌بردن از هدف یا قربانی (از قبیل: جنس زن برای تجاوز جنسی)؛ یا خصومت با اهدافی نظیر رفتارها یا هویت‌های قومی و گروهی که ممکن است موجب رنجش و روشن شدن آتش خصومت شود و رویداد پدیده قربانی‌سازی را افزایش دهد. محققان در این تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که تبیین‌های نظریه سبک زندگی راه‌های مهم، اما ناکافی را مفهوم‌پردازی کرده است که طی آن ویژگی‌های شخصیتی قربانیان آن‌ها را در معرض قربانی شدن قرار می‌دهد. آن‌ها در این تحقیق تناسب هدف یا قربانی را به مؤلفه‌های

آسیب‌پذیری، لذت بردن از هدف، و خصومت با هدف تقسیم کرده‌اند و نشان داده‌اند که «تناسب هدف یا قربانی» منفک از متغیرهای سبک زندگی، سهم مستقل و معناداری در تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی قربانی شدن دارد.

سونسون و پاولز در تحقیق دیگری با عنوان «آیا سبک زندگی مخاطره‌آمیز همیشه خطرناک است؟ تعامل بین گرایش‌های باطنی فردی و سبک زندگی مخاطره‌آمیز» (Svensson and Pauwels 2008) تأثیر سبک زندگی مخاطره‌آمیز را بر گرایش‌های باطنی به جرم بررسی کرده‌اند. آن‌ها فرض را بر این گذاشته‌اند که خطر سبک زندگی برای آن‌هایی که گرایش زیادی به جرم دارند، تأثیر مهم‌تری بر جرم دارد. در صورتی که برای افرادی که گرایش اندکی به جرم دارند، فرض بر آن است که خطر سبک زندگی برای درگیر شدن در جرم اندک یا حاشیه‌ای است. یعنی علاوه بر این که متغیر سبک زندگی مخاطره‌آمیز بررسی شده، تأثیر گرایش باطنی به جرم نیز لحاظ شده است. یافته‌های تحقیق قاطعانه این فرضیه را تأیید کرده است که تأثیر خطر سبک زندگی به تمایل فردی ضعیف یا قوی به ارتکاب جرم بستگی دارد. بدین معنی که سبک زندگی برای افرادی که تمایل بسیاری به جرم دارند، تأثیر قوی‌تری بر انحرافات دارد و برای افرادی که تمایل کم‌تری به جرم دارند، عامل سبک زندگی تأثیر کمی دارد.

کوگلین و ویچنچ (Coughlin and Vuchinich 1996) نیز در مقاله‌ای با نام «تجربیات خانوادگی و گسترش بزه‌کاری پسران» تجربیات خانوادگی ۱۹۴ پسر ده‌ساله را بررسی کرده‌اند تا بتوانند تجربیاتی را پیش‌بینی کنند که موجب می‌شود پلیس آن‌ها را در هفده سالگی دستگیر کند. کیفیت روابط والدین و فرزندان، اعمال تأدیبی و انضباطی والدین، ساختار خانواده، و حل کردن مشکلات توسط خانواده متغیرهای اصلی پژوهش‌اند و هوش، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، و ارتباط با هم‌سالان عوامل کنترلی آن در نظر گرفته شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داده است که کسب تجربه در خانواده‌های تک‌والدی و خانواده‌هایی که در آن ناپدیری و نامادری حضور دارد، خطر بزه‌کاری‌هایی را که تا چهارده سالگی شروع می‌شوند تا دو برابر افزایش می‌دهد، اما میزان بزه‌کاری‌هایی را که از چهارده تا هفده سالگی شروع می‌شوند افزایش نمی‌دهد. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین خطرپذیری زیاد با ارتباط ضعیف با هم‌سالان بزه‌کار و ویژگی‌های شخصیتی ضداجتماعی در خانواده دیده شد. تأثیر حل کردن مشکلات توسط خانواده فقط در خانواده‌هایی مشاهده شد که دارای ناپدیری یا نامادری بودند و نتایج زمان و ماهیت غیرمستقیم تأثیرات خانوادگی را بر شکل‌گیری رفتار بزه‌کارانه نشان داد.

### ۳. چهارچوب نظری تحقیق

وندال‌ها گروهی‌اند که اعمال خشونت‌آمیز و پرخاش‌گرانه از خود نشان می‌دهند و احساس اجحاف و بی‌عدالتی درک‌شده دو انگیزه مهم در ایجاد پرخاش‌گری و خراب‌کاری ویران‌گرانه وندال‌هاست. وندالیسم را حالت شدید جماعت، انبوهه، یا گروهی دانسته‌اند که به‌صورت تجمع سازمان‌نیافته و بی‌هدف به‌صورت آنی تحت تأثیر هم‌دیگر قرار می‌گیرند و تحرکات تخریبی و ویران‌گری انجام می‌دهند. وندالیسم یا خراب‌کاری‌های شهری یکی از معضلات و مشکلات جوامع است که هم‌گام با رشد و توسعه شتاب‌زده شهر و درونی‌شدن فرهنگ شهرنشینی در بین جوامع مختلف به‌وجود آمده است (نبوی و دیگران ۱۳۹۰).

پاتریس ژانورن (Janoren) (۱۳۶۷: ۲۸) وندالیسم را نوعی روحیه بیمارگونه تعریف می‌کند که به تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن‌های عمومی، صندلی اتوبوس‌های شهری، مترو، باجه‌های پست و تلگراف، و نظایر آن تمایل دارد. وی روحیه‌ای را که در تمایل به نابودی آثار هنری و تخریب اموال عمومی وجود دارد روحیه ویران‌گر یا متمایل به خراب‌کاری (وندالیسم) می‌خواند.

پیر بوردیو بی‌گمان پی‌گیرترین جامعه‌شناسی است که درباره مصرف و سبک زندگی سخن گفته است. به‌زعم بوردیو درحقیقت «ذائقه یا سلیقه» مصرف را جهت می‌دهد و با جهت‌گیری مصرف، سبک‌های زندگی متفاوت شکل می‌گیرد. ذائقه‌ها و منش‌ها دائماً ضرورت‌ها را به اولویت‌ها تبدیل می‌کند و فارغ از هر نوع تعیین مکانیکی، مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد که (روی‌هم‌رفته) سبک‌های زندگی را سامان می‌بخشند. ازسوی دیگر، همین سبک‌های زندگی متفاوت به بازتولید ذائقه و منش می‌انجامد، زیرا سبک زندگی همان فضایی است که کنش‌گران در آن می‌آموزند که چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بدانند، و درنهایت چه چیز را زیبا بشمارند.

بنابه تعریف بوردیو، هر میدان عرصه‌ای اجتماعی است که در آن مبارزه‌ها و تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آن‌ها صورت می‌پذیرد. میدان‌ها با اقلامی تعریف و مشخص می‌شوند که محل منازعه و مبارزه‌اند، از قبیل: کالاهای فرهنگی (سبک زندگی)، مسکن، تمایز و تشخیص فرهنگی (تحصیل)، اشتغال، زمین، قدرت (سیاست)، طبقه اجتماعی، منزلت، یا هرچیز دیگری. با در نظر گرفتن حضور افراد در میدان‌های مختلف برای تصاحب سرمایه مد نظر است که بوردیو باور دارد که هر یک از افراد در فضای اجتماعی، فضایی چندموقعیتی را اشغال می‌کنند. افراد به‌وسیله عضویت در طبقه اجتماعی شناخته نمی‌شوند، بلکه به‌وسیله مقداری که از هر نوع سرمایه در اختیار دارند شناخته می‌شوند (استوتز ۱۳۸۵).

نظریه سبک زندگی نمایشی (Life Style Exposure Theory) را هیندلانگ (Hindelang)، گاتفردسون (Gottfredson)، و گاروفالو (Garofalo) توسعه داده‌اند. این مدل از فعالیت‌های مجرمانه بین خطر قربانی شدن و فعالیت‌های روزانه افراد رابطه برقرار می‌کند. سبک زندگی بر فعالیت‌هایی که افراد به‌طور روزانه در آن‌ها درگیر می‌شوند از قبیل فعالیت‌های اجباری (Obligatory) و اختیاری (Discretionary) اشاره دارد. همان‌طور که لی بو و کولسون (Le Beau and Coulson) اشاره کرده‌اند، فعالیت‌های اجباری فعالیت‌هایی‌اند که باید انجام شوند، درحالی‌که افراد فعالیت‌های اختیاری را به دل‌خواه انجام می‌دهند، به‌همین دلیل عنوان اختیاری به آنان اطلاق می‌شود. در واقع فعالیت‌های اختیاری را نامند که شانس اختیار در آن بیش‌تر از اجبار باشد و فعالیت‌های اجباری را نامند که شانس اجبار در آن بیش‌تر از اختیار باشد (Chapin 1974: 37-38).

بر این مبنا کندی و فورد (Kennedy and Forde 1990: 208) نوعی از سبک زندگی نمایشی را توصیف می‌کنند که ضمن این‌که تفاوت‌ها را در سطح جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد خانواده، و نژاد لحاظ می‌کند، فعالیت‌های روزمره و آسیب‌پذیری در آن قربانی فعالیت‌های جنایی شده‌اند. در نتیجه، قربانی شدن به‌صورت تصادفی در زمان و مکان پخش نشده است، بلکه مناطق و ساعاتی وجود دارد که خطر در آن‌ها بیش‌تر وجود دارد. بنابراین، الگوهای سبک زندگی اولاً، بر میزان حضور در مکان‌ها و ساعاتی تأثیر می‌گذارد که خطر قربانی شدن در آن‌ها زیاد است؛ ثانیاً، بر شیوع همکاری با کسانی نیز تأثیرگذار است که بیش‌تر یا کم‌تر احتمال دارد درگیر جرائم شوند.

مدل نظری کندی و فورد بر این مبناست که مشخصات زمینه‌ای و فعالیت‌های روزمره بر زمانی تأثیر می‌گذارد که در سبک زندگی مخاطره‌آمیزی سپری می‌شود و به نتایج وخیم (از قبیل قربانی فعالیت‌های جنایی شدن) منجر می‌شود. آن‌ها گفته‌اند که متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای مربوط به سبک زندگی را می‌توان تعیین‌کننده‌های «زمانی» که در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز سپری می‌شود» در نظر گرفت که به‌طور غیرمستقیم نتایج مخاطره‌آمیز را رقم می‌زنند.

مطالعات بسیاری رابطه بین فعالیت‌های روزمره افراد و احتمال قربانی شدن آن‌ها را نشان داده‌اند. در این مطالعات، آنچه افراد انجام می‌دهند و این‌که چگونه در مکان‌هایی که خطر قربانی شدن در آن‌ها کم یا زیاد است رفتار می‌کنند، بررسی شده است. مطابق با کار سامپسون و وولدرج، سبک زندگی پویا و درگیر (active lifestyle) از طریق افزایش میزان حضور در مکان‌هایی که به‌طور بالقوه آسیب‌رسان‌اند، بر خطر قربانی شدن تأثیر می‌گذارد.



باین حال، سبک زندگی پویا و درگیر ضرورتاً خطر قربانی شدن فرد را افزایش نمی‌دهد؛ مثلاً اگر فرد با ساکنین، همسایه‌ها، و افرادی که در آن‌جا آموشد دارند زیاد سروکار داشته باشد، این فعالیت تعاملی باعث کاهش احتمال قربانی شدن می‌شود (Wright and Decker 1994). با این‌که تحقیقات مربوط به سبک زندگی ابراز داشته‌اند که سبک زندگی پویا و درگیر خطر قربانی شدن را افزایش می‌دهد، اما سنت پژوهش معتبری حول این موضوع که چه نوع سبک زندگی‌ای باعث افزایش چه نوع رفتار انحرافی می‌شود شکل نگرفته است.

نظریه فعالیت عادی (routine activities) توسط کوهن و فلسون (Kohen and Felson) (Felson 1983) سازمان‌دهی شده است. مطابق با این نظریه، جرم نتیجه به‌هم‌پیوستن سه عنصر در زمان و مکان است: حضور یا احتمال حضور مجرمان دارای انگیزه؛ وجود اهداف مناسب؛ و نبود محافظان مجرب و کافی برای جلوگیری از رفتار مجرمانه. در نظریه فعالیت‌های عادی فرض بر آن است که زمان کار، مدرسه و سبک زندگی در مرکز تعیین‌کننده‌های اصلی نرخ جرم قرار دارند. به‌علاوه، پراکندگی فعالیت‌هایی که به دور از خانه و خانواده انجام می‌شوند امکان وقوع جرم را افزایش می‌دهد و در نتیجه نرخ جرم افزایش می‌یابد. ما انتظار داریم که فعالیت‌های عادی در اطراف خانه، درون خانه، و در بین اعضای خانواده یا گروه‌های نخستین شکل بگیرد که خطر قربانی شدن در آن‌ها کم‌تر است؛ زیرا آن‌ها قابلیت محافظت را تقویت می‌کنند. یعنی هرچه سطح محافظت افزایش پیدا کند، احتمال دیده‌شدن مجرمان و خطر قربانی شدن کاهش می‌یابد. فلسون نشان داده است که چگونه با درگیر شدن در فعالیت‌های دور از خانه و خانواده، خطر قربانی شدن (جانی و مالی) افزایش می‌یابد. بنابراین، سازمان زندگی روزمره در کلان‌شهرهای مدرن مشخص می‌کند که افراد برای کار، مدرسه، خرید، و سبک زندگی مطابق با مُد باید دور هم جمع شوند یا این‌که پراکنده شوند. در واقع، هر روند اجتماعی که افراد را از خانه دور کند برای تحلیل نرخ جرم مهم است (Felson 1987: 667).

گیدنز (Giddens) با مسئله رقابت میان جامعه‌شناسی کلان و خرد یا رقابت میان دیدگاه‌هایی که بر عاملیت تأکید دارند با دیدگاه‌هایی که بر ساختار تأکید می‌کنند سروکار دارد. ویژگی رهیافت گیدنز تأکید بر اهمیت محوری فرایندهای اجتماعی بازتابی است. به عبارت دیگر، نظم و ترتیبات مابعد سنتی در متن به پروژه بازتابی تبدیل می‌شود (گیدنز ۱۳۷۷: ۳۲).

سبک‌های زندگی از منظر گیدنز کردارهایی‌اند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند؛ جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، و شیوه‌های کنش در محیط دل‌خواه

برای ملاقات با دیگران جلوه می‌کنند. او یادآور می‌شود که چنین رفتارهایی بازتاب‌دهنده «خود» مدنظر کنش‌گران است؛ رفتارهایی که به واسطه آنها کنش‌گر خودش را به دیگران معرفی می‌کند و از خلال آنها هویت می‌یابد.

یکی از عواملی که به چندگانگی گزینش‌های فرد در جوامع نو می‌انجامد روایی و اعتبار تجربه با میانجی است. این تجربه نقشی بارز و ظریف در چندگانگی گزینش‌ها بازی می‌کند. با جهانی شدن فزاینده، رسانه‌های ارتباط جمعی، وجود و کارکرد انجمن‌ها و سازمان‌های متعدد و گوناگون در هر زمینه به چشم و گوش هرکس که خواهان نگریستن و شنیدن باشد می‌رسد، و همین اطلاعات طبعاً راه‌هایی نو برای گزینش در برابر شخص می‌گذارد (گیدنز ۱۳۸۲: ۱۲۷).

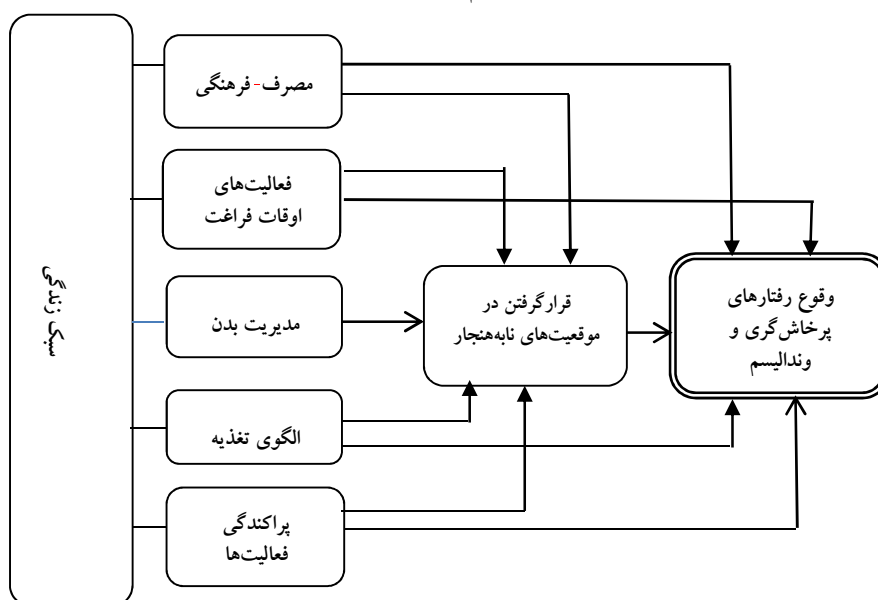
در چنین موقعیت‌هایی، برساختن هویت شخصی ممکن است به همان اندازه که از طریق فعالیت‌ها و انتخاب‌های به‌هنجار صورت می‌گیرد، از طریق انتخاب رفتارها و فعالیت‌های نابه‌هنجار نیز رخ دهد که در این صورت انتخاب سبک زندگی در ارتباط مستقیم با رفتارهای منحرفانه و مجرمانه قرار می‌گیرد. در این جا شبکه و گروه‌های اجتماعی واقعی یا مجازی (گیدنز از شبکه‌ها برای ارتباط سطح خرد و کلان استفاده کرده است) که افراد عضوی از آنها می‌شوند، شیوع همکاری با کسانی را مشخص می‌سازد که بیش‌تر یا کم‌تر احتمال دارد درگیر جرائم شوند. نوع این همکاری امکان حضور در مکان‌هایی را تعیین می‌کند که به‌طور بالقوه آسیب‌رسان‌اند. شبکه‌ها متشکل از افرادند و اطلاعات در آنها وارد، ساخته، و پرداخته می‌شود و برای استفاده در اختیار همگان قرار می‌گیرد. آنچه در شبکه‌های اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌شود به‌وسیله افراد در باززایی هویت و رفتار اجتماعی‌شان به‌کار می‌رود. شایان ذکر است که انتخاب این شبکه‌ها و واردشدن در آنها به‌صورت تصادفی نیست، بلکه همان‌گونه که گاتفردسن و همکارانش در نظریه نمایشی سبک زندگی و نظریه فعالیت‌های عادی نیز اشاره کرده‌اند، افراد از میان شبکه‌های اجتماعی، آن‌هایی را برای برقراری ارتباط انتخاب می‌کنند که بیش از دیگران به خودشان شبیه باشند (همان: ۱۲۰).

چهارچوب نظری این پژوهش بر مبنای «نظریه گیدنز درباره سبک زندگی» است که با بهره‌برداری از «نظریه نمایشی» هیندلبرگ، گاتفردسن، و گاروفالو و «نظریه فعالیت عادی» کوهن و فلسون تکمیل شده است. بدین معنی که ترکیبی از این سه نظریه چهارچوب نظری تحقیق را تشکیل می‌دهد. با بهره‌گیری از نظریات گیدنز، گاتفردسن و همکاران، و کوهن و فلسون این‌گونه می‌توان بیان داشت که تجدد و مدرنیسم باعث مدرن‌شدن الگوهای زندگی اجتماعی شده و هزینه این مدرن‌شدن مسائل و آسیب‌های اجتماعی است که در این فرایند

به‌وجود آمده است. جوانان از طریق رفتارها و فعالیت‌هایشان، سبک زندگی مدنظر خود را شکل می‌دهند و گاهی این سبک‌های زندگی انتخابی سبک‌هایی است که فرد را در معرض آسیب‌های اجتماعی و بازتولید آن‌ها قرار می‌دهد. افراد در مواقعی برای ایجاد ارتباط و تعامل از خلال بی‌شمار انتخاب‌هایی که پیش‌رو دارند، افراد و شبکه‌هایی را انتخاب می‌کنند که علاوه بر این‌ها را در معرض آسیب (قربانی شدن) قرار می‌دهد، این امکان را نیز فراهم می‌کند که خود آن‌ها نیز در نقش کنش‌گر، رفتارهای انحرافی را بازتولید کنند.

#### ۴. مدل تحلیلی تحقیق

با در نظر گرفتن نظریه‌های مطرح‌شده و پیشینه‌های تجربی انجام‌شده حول محور سبک زندگی و پرخاش‌گری و وندالیسم شهری، مدل تحلیلی مفروض پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است. رفتارهای پرخاش‌گری و وندالیسم متغیر ملاک تحقیق است. سبک زندگی متغیر پیش‌بین تحقیق است که دارای ابعاد مصرف‌فرهنگی، فعالیت فراغت، مدیریت بدن، الگوی تغذیه، و پراکنندگی فعالیت‌هاست. هم‌چنین متغیر پیش‌بین سبک زندگی به‌واسطه تأثیر بر متغیر واسطه‌ای «قرار گرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار» بر متغیر ملاک تحقیق، یعنی پرخاش‌گری و وندالیسم تأثیرگذار است.



شکل ۱. مدل مفروض رابطه متغیرهای پژوهش

براساس مباحث نظری و تجربی درباره سبک زندگی و تأثیر آن بر پرخاش‌گری و وندالیسم نوجوانان و جوانان، فرضیه‌های پژوهش به این صورت مطرح شدند:

۱. بین سبک زندگی و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
۲. بین مصرف فعالیت‌های فرهنگی و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
۳. بین نحوه گذران اوقات فراغت و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
۴. بین مدیریت بدن و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
۵. بین الگوی مصرف غذا و رفتارهای پرخاش‌گری و تخریبی در بین جوانان رابطه وجود دارد.
۶. بین پراکنندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
۷. بین قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

## ۵. روش‌شناسی تحقیق

طرح این پژوهش به‌لحاظ اجرا از نوع پیمایش بوده، از نظر زمانی مقطعی، به‌لحاظ ماهیت کاربردی، و به‌لحاظ وسعت پهناگر است. واحد مشاهده و واحد تحلیل فرد است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه کتبی محقق‌ساخته بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل همه نوجوانان و جوانان ۱۵-۲۹ ساله سه شهر استان لرستان شامل شهرهای خرم‌آباد، بروجرد، و ازنا در سال ۱۳۹۴ بود. از جمعیت آماری خرم‌آباد ۱۶۷۴۷۳ نفر، بروجرد ۱۰۴۶۹۷ نفر، و ازنا ۲۲۹۳۴ نفر، حجم نمونه‌ای با استفاده از فرمول کوکران و با فرض خطای نمونه‌گیری قابل قبول ( $d=0/05$ ) ۶۵۰ نفر محاسبه و تعیین شد و برای جلوگیری از ریزش نمونه، این حجم به ۷۰۰ نفر افزایش یافت و در نهایت با ۷۱۴ پرسش‌نامه تکمیل شد. برای احراز اعتبار و پایایی پرسش‌نامه‌ها سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند از گویه‌های تحقیقات پیشین استخراج شوند یا از نظر محققان و استادان امر کمک گرفته شود. پرسش‌نامه‌ها را پیش از تنظیم و تکثیر نهایی، استادان صاحب‌نظر بازبینی کردند و پس از اعمال نظر آنان، از اعتبار صوری پرسش‌نامه محقق‌ساخته اطمینان حاصل

شد. پس از تحلیل اعتبار صوری، اعتبار هر یک از گویه‌ها به وسیله تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. در بررسی اعتبار گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها، فقط گویه‌هایی معتبر شناخته شده‌اند که بار عاملی آن‌ها معنی‌دار باشد. باتوجه به حجم نمونه موردبررسی، بار عاملی ۰/۳ ملاک معقول و مناسبی است. سپس آن پرسش‌نامه بر روی ۳۰ نفر از نمونه مدنظر، آزموده شد و نارسایی و ابهام موجود در سؤالات رفع شد و پرسش‌نامه نهایی تحقیق تنظیم و در اختیار پاسخ‌گویان قرار گرفت. به‌منظور سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری (پایایی)، از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن گویای این واقعیت است که سؤالات پرسش‌نامه محقق‌ساخته انسجام درونی مناسبی دارند.

جدول ۱. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های متغیرهای تحقیق

متغیرها	پیش‌آزمون		آزمون اصلی	
	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مصرف فرهنگی	۸	۰/۵۵	۸	۰/۶۵
مدیریت بدن	۸	۰/۷۳	۸	۰/۷۳
فعالیت‌های فراغتی	۹	۰/۷۵	۱۰	۰/۷۵
الگوی تغذیه	۶	۰/۶۵	۸	۰/۶۸
پراکندگی فعالیت‌ها	۵	۰/۴۵	۵	۰/۵۵
پرخاش‌گری و وندالیسم	۱۴	۰/۷۴	۱۶	۰/۷۵
فرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار	۴	۰/۶۵	۴	۰/۷۵

جدول ۲ حجم نمونه تخصیص داده‌شده به هر شهر را نشان می‌دهد. ۳۶۷ نفر از پاسخ‌گویان گروه نمونه از خرم‌آباد، ۲۷۶ نفر از بروجرد، و ۷۱ نفر از ازنا به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند که در مجموع حجم نمونه‌ای به تعداد ۷۱۴ نفر را تشکیل دادند.

جدول ۲. تخصیص نمونه برای شهرهای مورد مطالعه

شهر	جمعیت ۱۵-۲۹ ساله	نمونه تخصیص داده‌شده	نمونه تکمیل شده
خرم‌آباد	۱۶۷۴۷۳	۴۰۳	۳۶۷
بروجرد	۱۰۴۶۹۷	۲۵۵	۲۷۶
ازنا	۲۲۹۳۴	۶۲	۷۱
کل	۲۹۵۱۰۴	۷۲۰	۷۱۴

## ۶. یافته‌های توصیفی تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش حاکی از آن است که در مجموع از کل پاسخ‌گویان ۴۷/۳ درصد از آن‌ها زن و ۵۲/۷ درصد مرد بوده‌اند. ۸۰/۱ درصد از آن‌ها مجرد و ۱۹/۹ درصد متأهل بوده‌اند. ۵۴/۴ درصد پاسخ‌گویان دارای مدرک متوسطه و دیپلم، ۳۹/۴ درصد آن‌ها نیز تحصیلات خود را کاردانی و کارشناسی اعلام کردند و ۶/۲ درصد پاسخ‌گویان نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری بودند.

داده‌های مربوط به ابعاد سبک زندگی در جدول ۳ نشان می‌دهد که مصرف فرهنگی ۶۵/۸ درصد از پاسخ‌گویان در سطح متوسط، ۳۰/۷ درصد در سطح زیاد، و فقط ۳/۵ درصد در سطح کم قرار دارند. فعالیت‌های اوقات فراغت در بین تنها ۲/۲ درصد از پاسخ‌گویان زیاد بود که حدود ۵۸/۵ درصد آن‌ها فعالیت‌های اوقات فراغت را در حد متوسط اعلام کردند. هم‌چنین فقط ۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان مدیریت بدن خود را در سطح زیاد گزارش کردند، ۴۱ درصد در حد متوسط و ۵۷ درصد در سطح پایین بیان کردند. ۷۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان الگوی تغذیه خود را در سطح متوسط گزارش کردند، ۵۶/۲ درصد پاسخ‌گویان فعالیت‌های پراکنده خود را در سطح پایین اعلام کردند و فقط ۳ درصد از آن‌ها را زیاد گزارش کردند. از بین ابعاد سبک زندگی، میزان مصرف فعالیت‌های فرهنگی با میانگین ۶۲/۶۶ بیش‌تر از دیگر ابعاد گزارش شد. پراکندگی فعالیت‌ها به‌عنوان پایین‌ترین شاخص سبک زندگی با میانگین ۲۸/۰۶ نشان می‌دهد که جوانان شهرهای مورد مطالعه بیش‌تر فعالیت‌های نامتمرکز انجام می‌دهند، اما میزان این فعالیت‌ها در سطح پایینی است.

جدول ۳. مقایسه ابعاد سبک زندگی، گزارش برحسب نمرات میانگین مؤلفه‌ها

ابعاد سبک زندگی	کم	متوسط	زیاد	میانگین
مصرف فرهنگی	۳/۵	۶۵/۸	۳۰/۷	۶۲/۶۶
فعالیت‌های فراغت	۳۹/۲	۵۸/۵	۲/۲	۳۷/۴۶
مدیریت بدن	۵۷/۴	۴۰/۹	۱/۷	۳۱/۲۲
الگوی تغذیه	۲۶/۳	۷۱/۷	۲/۰	۴۱/۵۸
پراکندگی فعالیت‌ها	۵۶/۲	۳۲/۶	۲/۹	۲۸/۰۶

داده‌های جدول ۴ حاکی از آن است که ۷۶/۶ پاسخ‌گویان براساس تکنیک خوداعترافی ابراز داشته‌اند که میزان کمی به پرخاش‌گری و وندالیسم می‌پردازند. ۲۳ درصد پاسخ‌گویان نیز در سطح متوسطی پرخاش‌گری و تخریب می‌کنند. فقط ۰/۴ درصد از آن‌ها عنوان

کرده‌اند که سطح ابراز پرخاش‌گری و وندالیسمشان در سطح بالا بوده است. میزان پرخاش‌گری در بین جوانان با میانگین ۲۶/۹۵ بیش‌تر از رفتارهای تخریبی آن‌هاست.

جدول ۴. توزیع فراوانی و میانگین پاسخ‌گویان برحسب میزان ابراز پرخاش‌گری و وندالیسم

میانگین			درصد	فراوانی	میزان پرخاش‌گری و وندالیسم
وندالیسم	پرخاش‌گری	پرخاش‌گری و وندالیسم			
			۷۶/۶	۵۴۷	کم
۱۶/۳	۲۶/۹۵	۲۱/۵۴	۲۳/۰	۱۶۴	متوسط
			۰/۴		زیاد
	-		۱۰۰	۳۷۱۴	کل

داده‌های ارائه‌شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که ۷۱ درصد پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند که بسیار کم در موقعیت‌های نابه‌هنجار قرار گرفته‌اند. ۲۱/۴ درصد پاسخ‌گویان به‌طور متوسط و ۷/۶ درصد از آنان نیز زیاد در موقعیت نابه‌هنجار قرار گرفته‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار

میانگین کل		درصد	فراوانی	میزان
قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار				
		۷۱/۰	۵۰۷	کم
۲۲/۶۷		۲۱/۴	۱۵۳	متوسط
		۷/۶	۵۴	زیاد
	-	۱۰۰	۷۱۴	کل

طبق جدول ۶، در ابعاد سبک زندگی و داده‌های به‌دست‌آمده از این متغیر تفاوت چندانی بین شهرها مشاهده نمی‌شود، اما با این‌حال ازنا با ۴۶/۷ درصد از دو شهر دیگر میانگین کم‌تری در سبک زندگی دارد. میزان پرخاش‌گری و وندالیسم در بین جوانان خرم‌آباد بیش‌تر از دو شهر دیگر است. هم‌چنین نتایج جدول فوق حاکی از آن است که جوانان خرم‌آباد با ۲۵/۸ درصد، بیش‌تر از جوانان شهرهای دیگر در موقعیت‌های نابه‌هنجار قرار گرفته‌اند و در نتیجه بیش‌تر در معرض رفتارهای بزه‌کارانه‌ای چون پرخاش‌گری و وندالیسم قرار می‌گیرند.

جدول ۶. مقایسه درصدی وضعیت نمره متغیر ملاک در شهرهای مورد مطالعه

کل	شهرها			متغیرها
	ازنا	پروچرد	خرم‌آباد	
۴۹/۲۵	۴۶/۷۲	۴۹/۶۴	۴۹/۴۵	سبک زندگی
۲۱/۵۳	۱۸/۴۶	۲۰/۸۳	۲۲/۶۶	پرخاش‌گری و وندالیسم
۲۲/۶۷	۲۱/۸۳	۸۱/۶۱	۲۵/۸۸	قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار

درباره ضرایب هم‌بستگی بین متغیر پیش‌بین (سبک زندگی) و مؤلفه‌های آن با متغیر ملاک، فرضیات اصلی این پژوهش از طریق آزمون هم‌بستگی پیرسون تحلیل شدند. ضرایب مندرج در جدول ۷ حاکی از آن است که از مجموع هفت فرضیه اصلی این تحقیق که رابطه بین سبک زندگی و مؤلفه‌های آن را با میزان پرخاش‌گری و وندالیسم بررسی کردند، ارتباط متغیرهای سبک زندگی (کل)، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و پراکندگی فعالیت‌ها با میزان پرخاش‌گری و وندالیسم معنی‌دار بود، ولی ارتباط معناداری بین متغیرهای فعالیت‌های فراغتی و الگوی تغذیه با میزان پرخاش‌گری و وندالیسم مشاهده نشد.

جدول ۷. ضرایب هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با پرخاش‌گری و وندالیسم

پرخاش‌گری و وندالیسم		متغیرها
سطح معنی‌داری	ضریب هم‌بستگی	
۰/۰۰۲	۰/۱۸	سبک زندگی کل
۰/۰۰۰	-۰/۲۳۱	مصرف فرهنگی
۰/۶۷۱	-۰/۰۲۱	فعالیت اوقات فراغت
۰/۰۰۱	۰/۱۹۳	مدیریت بدن
۰/۶۱۰	۰/۰۱۱	الگوی تغذیه
۰/۰۰۱	۰/۰۹۲	پراکندگی فعالیت‌ها
۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار

**فرضیه اول:** بین سبک زندگی (کل) و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/183$  و سطح معنی‌داری  $0/000$  بر رد فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه و تأیید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت با احتمال ۹۹ درصد بین متغیر سبک زندگی (کل) و رفتارهای



پر خاش‌گرانه و وندالیستی رابطه هم‌بستگی معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هرچه جوانان بیش‌تر درگیر مؤلفه‌ها و ابعاد سبک زندگی شوند، احتمال بیش‌تری دارد که به فعالیت‌های پر خاش‌گرانه و وندالیستی اقدام کنند. هم‌چنین مقدار ضریب پیرسون  $0/183$  بر ضعیف‌بودن نسبی شدت رابطه هم‌بستگی دلالت دارد. بنابراین، فرضیه اول تأیید می‌شود.

**فرضیه دوم:** بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پر خاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/231$  - و سطح معنی‌داری  $0/000$  بر رد فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه و تأیید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه هم‌بستگی بین این دو متغیر از طریق آزمون هم‌بستگی  $0/231$  محاسبه شده که بیان‌گر هم‌بستگی منفی و معکوس بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پر خاش‌گرانه و وندالیستی است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با افزایش میزان مصرف از کالاهای فرهنگی میزان وقوع رفتارهای پر خاش‌گرانه و وندالیستی کاهش می‌یابد و عکس این قضیه نیز صادق است. مقدار ضریب پیرسون بیان‌گر متوسط‌بودن شدت هم‌بستگی مشاهده‌شده است. بنابراین، فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

**فرضیه سوم:** بین فعالیت اوقات فراغت و رفتارهای پر خاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/021$  - و سطح معنی‌داری  $0/671$  بر تأیید فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه و رد فرضیه محقق دلالت دارد. بر این اساس می‌توان گفت در بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه سوم رد می‌شود.

**فرضیه چهارم:** بین مدیریت بدن و رفتارهای پر خاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/193$  و سطح معنی‌داری  $0/000$  بر رد فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه و تأیید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه هم‌بستگی بین این دو متغیر از طریق آزمون هم‌بستگی  $0/193$  محاسبه شده که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و معنی‌دار بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پر خاش‌گرانه و وندالیستی

است. بنابراین، می‌توان گفت با افزایش میزان توجه به مدیریت بدن در بین جوانان و نوجوانان، گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی نیز افزایش می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون بیان‌گر شدت هم‌بستگی نسبتاً ضعیف این رابطه است. لذا فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

**فرضیه پنجم:** بین الگوی تغذیه و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/011$  و سطح معنی‌داری  $0/010$  بر تأیید فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه و رد فرضیه محقق دلالت دارد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت در بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه پنجم نیز رد می‌شود.

**فرضیه ششم:** بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/092$  و سطح معنی‌داری  $0/000$  بر رد فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه هم‌بستگی بین این دو متغیر از طریق آزمون هم‌بستگی  $0/092$  محاسبه شده که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و معنی‌دار بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی است. اما از آن‌جاکه شدت این رابطه بسیار ضعیف است، بنابراین، می‌توان این رابطه را نادیده گرفت. بنابراین، فرضیه فوق رد می‌شود.

**فرضیه هفتم:** بین قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره هم‌بستگی پیرسون  $0/283$  و سطح معنی‌داری  $0/000$  بر رد فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه و تأیید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. رابطه هم‌بستگی بین این دو متغیر از طریق آزمون هم‌بستگی  $0/283$  محاسبه شده که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی است. بنابراین، می‌توان گفت هرچه‌قدر میزان قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار افزایش یابد، میزان رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی افزایش

می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون بیان‌گر شدت هم‌بستگی نسبتاً متوسط این رابطه است. لذا فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

## ۷. آمار استنباطی

در جدول ۸ ارتباط بین متغیرهای جمعیتی با متغیر وابسته تحقیق، یعنی پرخاش‌گری و وندالیسم در میان پاسخ‌گویان با استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک بررسی شد. نتایج نشان داد که بین سن و وقوع رفتارهای بزه‌کارانه پرخاش‌گری و وندالیسم ضریب هم‌بستگی  $0/16$  در سطح اطمینان ۹۹ درصد بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌داری است. نتایج آزمون F نشان می‌دهد میزان رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی در میان افرادی که تحصیلات پایین و متوسطی دارند، با افرادی که تحصیلات بیش‌تری دارند تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارد. یافته‌های آزمون T اختلاف معنی‌داری را بین افراد مجرد و متأهل از حیث ارتکاب رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی نشان نمی‌دهد، هرچند که میانگین نمرات این متغیر ملاک در بین افراد مجرد بیش‌تر از افراد متأهل است. مقایسه میانگین رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی بین شهرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که در خرم‌آباد این میزان  $22/66$ ، در ازنا  $18/46$ ، و در بروجرد  $20/84$  است و اختلاف اندکی بین این سه شهر از حیث این رفتارها وجود دارد، اما به لحاظ آماری این اختلاف مشاهده‌شده معنی‌دار نبود.

جدول ۸. بررسی روابط متغیرهای جمعیتی با پرخاش‌گری و وندالیسم

متغیرها	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
سن	پیرسون	$-0/16$	$0/000$
جنس	T مستقل	$-4/56$	$0/000$
تحصیلات	تحلیل واریانس F	$6/06$	$0/002$
وضعیت تأهل	T مستقل	$1/67$	$0/009$
شهر محل سکونت	تحلیل واریانس F	$2/23$	$0/011$

در ادامه به منظور بررسی تأثیر همه متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش هم‌زمان استفاده شده است. باتوجه به نتایج به دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$ ) برای مدل برابر با  $0/22$  است، بدین معنی که ۲۲ درصد از کل میزان وقوع رفتارهای پرخاش‌گری و وندالیستی در بین نوجوانان و جوانان سه شهر خرم‌آباد، ازنا، و بروجرد را می‌توان توسط این متغیرهای پیش‌بین تبیین کرد. هم‌چنین باتوجه به معنی‌داری

مقدار آزمون  $F(19/04)$  ( $Sig=0/001$ ) این چهار متغیر در مجموع قادرند ۲۲ درصد تغییرات رفتارهای تخریب‌گرانه و پرخاش‌گری را تبیین کنند. براساس نتایج مدل برازش داده‌شده رگرسیون، که نتایج آن در جدول ۹ ارائه شده است، از بین متغیرهای پیش‌بین واردشده در تحلیل رگرسیون، متغیرهای سبک زندگی (کل)، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، پراکندگی فعالیت‌ها، و قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار تأثیر معناداری بر رفتارهای پرخاش‌گری و وندالیسم داشتند. براساس ضرایب تأثیر رگرسیونی، متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار با ضریب بتای  $0/282$ ، مصرف فرهنگی با ضریب بتای  $0/266$ ، سبک زندگی کل با ضریب بتای  $0/216$ ، مدیریت بدن با ضریب بتای  $0/184$  و پراکندگی فعالیت‌ها با ضریب بتای  $0/045$  به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر ابراز پرخاش‌گری و وندالیسم داشته‌اند. بدین معنی که به‌ازای هر واحد افزایش در نمره متغیرهای قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار، مصرف فرهنگی، سبک زندگی، مدیریت بدن و پراکندگی فعالیت‌ها، واریانس متغیر رفتارهای پرخاش‌گری و وندالیسم نیز با ضرایب مذکور تغییر می‌کند.

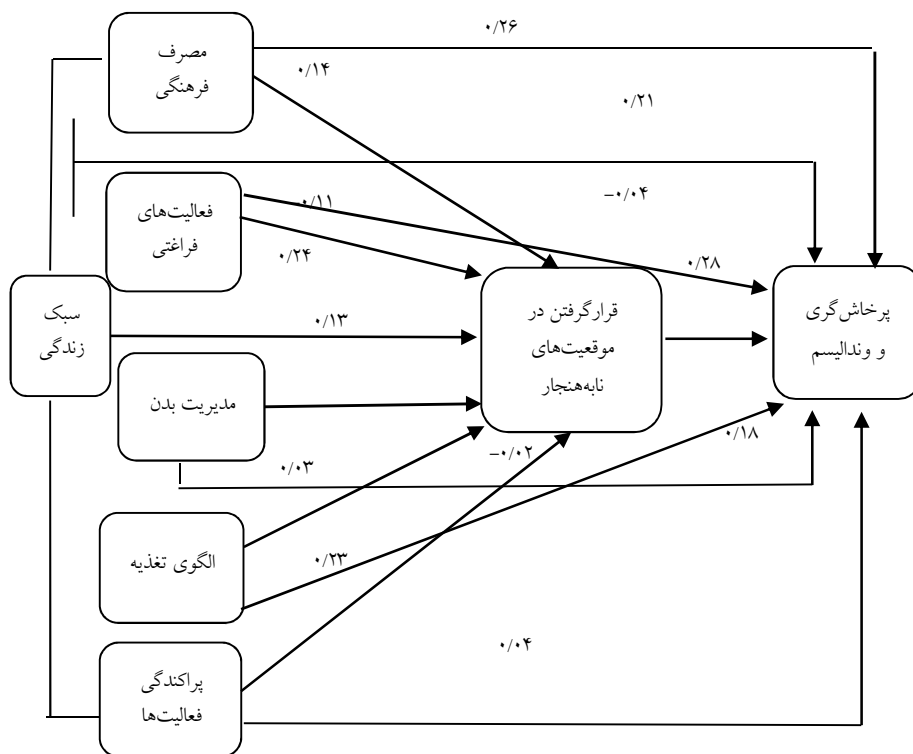
جدول ۹. جدول ضرایب رگرسیون تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

سطح معنی‌داری	t	ضرایب معیارشده		ضرایب معیارنشده		
		Beta (بتا)	خطای معیار	B		
0/000	9/620	-	0/115	8/321	مقدار ثابت	
0/001	10/987	0/216	0/001	0/122	سبک زندگی	
0/000	18/235	0/266	0/032	0/425	مصرف فرهنگی	
0/610	13/864	-0/041	0/020	0/625	فعالیت فراغتی	
0/000	8/983	0/184	0/037	0/023	مدیریت بدن	
0/331	6/634	-0/023	0/021	0/302	الگوی تغذیه	
0/002	11/230	0/045	0/032	0/250	پراکندگی فعالیت‌ها	
0/000	15/567	0/282	0/003	0/122	قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار	

$$Sig=0/001 \quad F=19/04 \quad R^2Adj=0/22 \quad R^2=0/22 \quad R=0/47$$

برای نشان‌دادن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک از نمودار تحلیل مسیر استفاده شده که در نمودار ۲ ارائه شده است. همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود، متغیر سبک زندگی به‌صورت مستقیم بر متغیر پرخاش‌گری و وندالیسم تأثیر گذاشته است. میزان تأثیر مستقیم سبک زندگی برابر با  $0/21$  بوده است. متغیر سبک زندگی به‌واسطه تأثیرگذاری بر متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار به میزان  $0/24$  بر

پرخاش‌گری و وندالیسم تأثیرگذار است. هم‌چنین میزان تأثیر مستقیم متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار بر پرخاش‌گری و وندالیسم برابر با ۰/۲۸ بوده که نشان می‌دهد به‌ازای یک واحد تغییر در متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار، میزان پرخاش‌گری و وندالیسم به میزان ۰/۲۸ واحد تغییر خواهد یافت. در بین ابعاد سبک زندگی، مصرف فرهنگی به میزان ۰/۲۶ بر متغیر پرخاش‌گری و وندالیسم تأثیر مستقیم داشته است و هم‌چنین از طریق متغیر واسطه‌ای قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار نیز به میزان ۰/۰۷ بر متغیر ملاک تأثیر غیرمستقیم دارد. تأثیر مستقیم مدیریت بدن بر پرخاش‌گری و وندالیسم ۰/۱۸ است و هم‌چنین به‌واسطه متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار ۰/۱۳ بر متغیر ملاک تأثیر غیرمستقیم دارد. متغیر پراکندگی فعالیت‌ها نیز به میزان ۰/۰۴ تأثیر مستقیم و ۰/۲۳ تأثیر غیرمستقیم بر متغیر پرخاش‌گری و وندالیسم داشته است. متغیرهای فعالیت اوقات فراغت و الگوی تغذیه نیز به‌علت تأثیر کم و غیرمعنی‌دار از مدل خارج شده‌اند. هم‌چنین میزان تأثیر کل سبک زندگی بر متغیر پرخاش‌گری و وندالیسم ۰/۲۶ است.



شکل ۲. نمودار تعیین مسیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (تحلیل مسیر)

## ۸. بحث و نتیجه‌گیری

فرایند صنعتی‌شدن و گسترش شهرنشینی جوامع موجب رشد فردگرایی (individualis) و ناشناختگی (disidentification) شده است و این مسئله باعث شده که تمایل افراد به دیده‌شدن در زندگی اهمیت یابد. از سوی دیگر، تمدن ماشینی امروزه با توجه به توسعه شهری نامنظم در کشورهای جهان سوم، بروز پی‌آمدهایی هم‌چون رشد بی‌رویه جمعیت شهری، تغییر سبک زندگی، درآمیختگی سنت‌های کهنه و نو، تضعیف انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، شکست‌ها، عقده‌های روانی و امیال سرکوب‌شده را به دنبال داشته است. از دیگر سو، عصیان روزافزون انسان‌ها و بالاخص نسل جوان را در برابر واقعیات اجتماعی متأثر ساخته است. این معضلات و مشکلات در جامعه شهری سرپیچی از قواعد حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه را به صورت واکنش‌های منفی در افراد ایجاد کرده که وندالیسم یا رفتار تخریب‌گرانه نمونه‌ای از این واکنش‌های ضداجتماعی در جوامع شهری است (خدایار ۱۳۶۷: ۵۳۲).

این پژوهش با هدف بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر رفتارهای پرخاش‌گری و وندالیسم در بین نوجوانان و جوانان صورت گرفت.

بر اساس یافته‌ها، فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین سبک زندگی و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی تأیید شد. به این معنی که با تغییر در سبک زندگی افراد، رفتارهای بزه‌کارانه آنان نیز دچار تغییر می‌شود. نزد گیدنز، تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی نهادی به یک‌دیگر گره می‌خورند. او معتقد است که ویژگی مدرنیته پویایی تأثیر جهان‌گستر و فرایند تغییر رسوم سنتی است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هرچه بیش‌تر از قید انتخاب‌هایی رها شوند که سنت به‌طور معمول در اختیار آن‌ها قرار می‌داد. بنابراین، هرچه نفوذ و کشش سنت کم‌تر می‌شود، و هرچه زندگی روزمره بیش‌تر برحسب تأثیرات متقابل و عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیش‌تر ناچار می‌شوند که سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. با این وصف، به دلیل بازبودن زندگی اجتماعی امروزی و هم‌چنین به‌علت تکثریابی زمینه‌های عمل و مراجع، انتخاب سبک زندگی بیش‌ازپیش در ساخت اعمال و فعالیت‌های روزمره اهمیت می‌یابد. برنامه‌ریزی و انتخاب برای زندگی بر اساس بازتاب‌های بیرونی، رفته‌رفته به صورت طرح مرکزی ساختار هویت شخصی درمی‌آید (گیدنز ۱۳۸۲).

فرضیه دوم که وجود معناداری رابطه بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی را مطرح کرده، براساس نتایج به‌دست‌آمده تأیید شد؛ به این معنا که به نسبت افزایش میزان مصرف کالاها، فرهنگی توسط جوانان، میزان گرایش آنان به ارتکاب رفتارهای تخریب‌گرانه و وندالیستی کاهش می‌یابد و برعکس. مصرف فرهنگی غالباً کم‌تر از بقیه انواع فعالیت‌ها مستلزم هزینه‌کردن است و قدرت انتخاب افراد در این زمینه زیاد است. به‌علاوه قریحه، که از عناصر سازنده سبک زندگی است، بیش از هرچیز دیگر در الگوی انجام‌دادن فعالیت و مصرف فرهنگی بروز می‌کند. دیدگاه بوردیو درباره این‌که طبقات بالا خود را با استفاده از فرهنگ متعالی از بقیه طبقات متمایز می‌کنند، سبب شده است تا بسیاری از پژوهش‌گران نظریه وی را دوباره بیازمایند (فاضلی ۱۳۸۲: ۱۲۷). لذا میزان مصرف محصولات فرهنگی افراد را با افراد هم‌سبک خود مرتبط خواهد کرد و این امر بر احتمال اقدام به رفتارهای تخریب‌گرانه و وندالیستی اثرگذار است. پژوهش صورت‌گرفته توسط مقصودی و بنی‌فاطمه (۱۳۸۵) با یافته‌های این تحقیق هم‌سو است.

فرضیه سوم، که آن نیز تأیید شد، وجود رابطه معنی‌دار میان مدیریت بدن و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی است. به‌عقیده گیدنز، کنترل منظم بدن یکی از ابزارهای اساسی است که شخص به‌وسیله آن روایت معینی از هویت شخصی را محفوظ می‌دارد و درعین حال «خود» نیز به‌طرزی کم‌وبیش ثابت از ورای همین روایت «در معرض تماشای دیگران قرار می‌گیرد». بنابراین، ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری، علاوه بر آن‌که به محملی برای کسب هویت تبدیل شده، به وسیله‌ای برای کسب منزلت و پرستیژ نیز مبدل گشته و در نتیجه «نمایش خود» به جلوه‌ای عادی از زندگی روزمره تبدیل می‌شود. کسب هویت و منزلت از طریق راه‌های متداول و پذیرفته‌شده از جانب ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به پدیدآمدن افرادی هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی منجر می‌شود، اما زمانی که افراد راه‌های غیرمعمول و غیرمتعارف را برای کسب هویت و منزلت انتخاب می‌کنند، یا به‌عبارت‌دیگر از حوزه فعالیت‌های نابه‌هنجار برای کسب هویت و منزلت استفاده می‌کنند، پرداختن به بدن در راستای فعالیت‌های بزه‌کارانه قرار می‌گیرد.

براساس یافته‌ها، فرضیه بعدی تحقیق مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی تأیید شد. کوهن و فلسون معتقدند که پراکندگی فعالیت‌ها برخلاف فعالیت‌های عادی و متمرکز، به درگیرشدن افراد در فعالیت‌های بزه‌کارانه منجر می‌شود. در نظریه فعالیت‌های عادی، فرض بر آن است که زمان کار، مدرسه و سبک زندگی در مرکز تعیین‌کننده‌های اصلی نرخ جرم قرار دارند.

به‌علاوه، پراکندگی فعالیت‌هایی که به دور از خانه و خانواده انجام می‌شوند امکان جرم و درگیر شدن در فعالیت‌های پرخاش‌گرانه و وندالیستی را افزایش می‌دهد و در نتیجه نرخ جرم افزایش می‌یابد. فعالیت‌های عادی در اطراف خانه، درون خانه، و در بین اعضای خانواده یا گروه‌های نخستین شکل می‌گیرد و خطر قربانی شدن در آن‌ها کم‌تر است، زیرا آن‌ها قابلیت محافظت را تقویت می‌کنند. یعنی هرچه سطح محافظت افزایش پیدا کند احتمال درگیر شدن در فعالیت‌های بزه‌کارانه و خطر قربانی شدن کاهش می‌یابد. فلسون نشان داده است که چگونه با درگیر شدن در فعالیت‌های دور از خانه و خانواده خطر قربانی شدن و در نهایت درگیر شدن در فعالیت‌های بزه‌کارانه افزایش می‌یابد. در واقع، «هر روند اجتماعی که افراد را از خانه دور کند برای تحلیل نرخ جرم مهم است».

فرضیه نهایی، که تأیید شد، وجود رابطه معنی‌دار بین قرار گرفتن در موقعیت‌های نابه‌هنجار و رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی است. بنابر نظر گاتفردسن، فلسون، و همکارانش که در «نظریه نمایشی سبک زندگی» و «نظریه فعالیت‌های عادی» اشاره کرده‌اند، کنش‌گران از میان شبکه‌های اجتماعی، آن‌هایی را برای برقراری ارتباط انتخاب می‌کنند که بیش از دیگران به خودشان شبیه باشند. بنابراین، جوانان با قرار گرفتن در این موقعیت‌های نابه‌هنجار راحت‌تر قربانی می‌شوند و قربانی‌ها بیش‌تر احتمال ارتکاب رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی را دارند، زیرا سبک زندگی‌شان در ارتباط با مجرمان است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کریمی و فرهمند (۱۳۹۵) و نیک‌اختر (۱۳۷۸) هم‌سو است.

آن‌چه در این مقاله درباره سبک زندگی و مؤلفه‌های آن گفته شد موضوعاتی‌اند که هر روز در کشاکش سنت و مدرنیته به‌طور دائم و نامتعیین در حال تغییر و تحول‌اند. در این باره گیدنز معتقد است که ویژگی مدرنیته پویایی تأثیر جهان‌گستر و فرایند تغییر رسوم سنتی است. در بین کنش‌گران انسانی، جوانان از جمله افرادی‌اند که در سبک زندگی خود، بیش‌تر از سایر کنش‌گران در فعل و انفعالات هویتی خود، در معرض انتخاب‌های گوناگون قرار می‌گیرند. به‌زعم گیدنز، مدرنیته سبب می‌شود که افراد هرچه بیش‌تر از قید انتخاب‌هایی که سنت به‌طور معمول در اختیار آن‌ها قرار می‌داد رها شوند و بدین ترتیب فرد را «رودروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به‌دلیل آن‌که دارای کیفیتی غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد یاری دهد». در این میان امنیت هستی‌شناختی فرد آسیب می‌بیند و فرد برای دستیابی به افتخار در بین هم‌سالان و کسب هویت مدنظر خود از ارتکاب هیچ نوع رفتاری از جمله رفتارهای انحرافی، بزه‌کارانه یا مجرمانه اجتناب نمی‌ورزد.



یافته‌های پژوهش انجام‌شده نیز این فرضیه را تأیید کرد. تأثیر کلی ۲۶ درصدی سبک زندگی بر وقوع رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی وقتی که با کل کنش‌گران جوان در جامعه مورد مطالعه مقایسه می‌شود نسبتاً درخور توجه است. این کنش‌گران در گذران امور زندگی خود ممکن است دست به انتخاب‌های زیادی بزنند که برخی از آن‌ها ممکن است به‌باور گیدنز تصادفی نباشد و الگویی را پدید می‌آورند که فقط بخشی از آن مربوط به مصرف است. این مجموعه ساختاریافته راه‌نمایی برای کنش می‌شود و فرد را از این معضل که در هر لحظه مجبور باشد آگاهانه تصمیم بگیرد می‌رهاند. از بین مؤلفه‌های سبک زندگی، مصرف محصولات فرهنگی و مدیریت بدن و پراکندگی فعالیت‌ها ارتباط معنی‌داری با رفتارهای پرخاش‌گرانه و وندالیستی جوانان نشان دادند. این مؤلفه‌ها در دستگاه نظری گیدنز رفتارها و کردارهایی‌اند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند؛ جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، مکان‌های مختلف، مصرف محصولات فرهنگی، و شیوه‌های کنش در محیط دل‌خواه برای ملاقات با دیگران جلوه می‌کنند. چنین رفتارهایی بازتاب‌دهنده خود مدنظر کنش‌گران است؛ رفتارهایی که به‌واسطه آن‌ها کنش‌گر خودش را به دیگران معرفی می‌کند و از خلال آن‌ها هویت می‌یابد. مطابق با نظریه سبک زندگی نمایشی گانفردسون و همکاران و نظریه فعالیت‌های عادی کوهن و فلسون نیز علت این‌که افراد از میان شبکه‌های اجتماعی، کسانی را برای برقراری ارتباط انتخاب می‌کنند که بیش از دیگران به خودشان شبیه باشند و در نهایت شبکه‌های ارتباطی مورد علاقه خود را تشکیل می‌دهند، برای این است که سبک زندگی‌شان را به دیگران معرفی کنند. این سبک زندگی به‌واسطه حلقه‌ها یا شبکه‌های ارتباطی که انتخاب می‌کنند ممکن است به زندگی سالم منجر شود یا درگیر تولید و بازتولید آسیب‌های اجتماعی شود؛ چراکه انتخاب برخی فعالیت‌ها و بعضی شبکه‌ها ممکن است در حوزه ارتکاب فعالیت‌های نابه‌هنجار قرار گیرد.

## کتاب‌نامه

- استونز، راب (۱۳۸۵)، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.
- جان‌حسینی، علی (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای تخریب‌گرایانه در استان مازندران»، فصل‌نامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۴، ش ۱۶.
- خدایار، امیرمسعود (۱۳۶۷)، *فرهنگ واژه‌های مکتب سیاسی، فلسفی، مذهبی، هنری و ادبی*، تهران: خورشید.

- دغاقله، عقیل و سمیرا کلهر (۱۳۸۹)، *آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکلی‌گری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- ژانورن، پاتریس (۱۳۶۷)، *وندالیسم: بیماری جهانی خراب‌کاری*، ترجمه فرخ ماهان، *مجله دانشمند*، ش ۵۶.
- صمیمی، رقیه و دیگران (۱۳۸۵)، «ارتباط سبک زندگی با سلامت عمومی دانشجویان»، *فصل‌نامه پرستاری ایران*، دوره ۱۹، ش ۴۸.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.
- کریمی منجم‌موتی، یزدان و مهناز فرهمند (۱۳۹۵)، «وندالیسم و جوانان»، *فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره ۵، ش ۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *بی‌آمدهای ملنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، *وندالیسم*، تهران: آن.
- محمدی بلبلان آباد، اسعد (۱۳۸۴)، *سنجش میزان وندالیسم و عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن* در میان دانش‌آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- مقصودی، سوده و زهرا بنی‌فاطمه (۱۳۸۳)، «تحلیل محتوای دیوارنویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان»، *نشریه رفاه اجتماعی*، دوره ۳، ش ۱۳.
- نبوی، سیدعبدالحسین، سهام سالمیان و بهار حبیبیان (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر رفتار وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان اهواز (مطالعه موردی: منطقه کوت عبدالله)»، *فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، س ۱، ش ۳.
- نیک‌اختر، علی (۱۳۷۸)، *بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر خراب‌کاری به‌عنوان نوعی رفتار بزه‌کارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- Chapin, F. Stuart (1974), *Human Activity Patterns in The City: Things People Do in Time and Space*, New York: John Wiley & Sons.
- Felson, Marcus (1983), "Ecology of Crime", in: S. Kadish (ed.), *Encyclopedia of Crime and Justice*, New York: Macmillan Library Reference.
- Felson, Marcus (1987), "Routine Activities and Crime Prevention in the Developing Metropolis", in: *Criminology*, 25(4).
- Finkelhor, David and Nancy L. Asdigian (1996), "Risk Factors for Youth Victimization: Beyond a Lifestyles/ Routine Activities Theory Approach", in: *Violence and Victims*, vol. 11, no. 1.
- Kennedy, Leslie and David Forde (1990), "Risky Lifestyles and Dangerous Results: Routine Activities and Exposure to Crime", in: *Sociology and Social Research: An International Journal*, 74(4).

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر پرخاش‌گری و وندالیسم ... ۲۷

Svensson, R and L. Pauwels (2008), "Is a Risky Lifestyle Always Risky? The Interaction between Individual Propensity and Lifestyle Risk in Adolescent Offending: A test in Two Urban Samples", in: *Crime & Delinquency*, vol. 56.

Wright, Richard and Scott Decker (1994), *Burglars on the Job: Streetlife and Residential Break-Ins*. Boston, Mass, Northeastern University Press.

